

اندیشه سیاسی رفاعه طهطاوی در بافت تاریخی مصر در سده نوزدهم؛ نقدی بر قرائت رایج

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۷

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۲/۱۸

مهران اسماعیلی*

فاله
اندیشه سیاسی رفاعه طهطاوی در بافت تاریخی مصر در سده نوزدهم

رفاعه طهطاوی به عنوان طلبه الازهر در سال ۱۸۲۶م هیئت دانشجویان اعزامی از قاهره به پاریس را همراهی کرد و چند سالی آنجا اقامت داشت. طهطاوی پس از بازگشت، برای بهبود وضعیت طبقه کشاورز و اصلاح نظام آموزشی در مصر، دهه‌ها کوشش کرد و اندکی پس از مهاجرت سید جمال‌الدین اسدآبادی به مصر از دنیا رفت. آثاری که در زمینه اندیشه‌های سیاسی به زبان فارسی نوشته شده، طهطاوی را نواندیش و از پیشگامان اندیشه نو سیاسی برشمرده‌اند، چنین تصویری را در آثاری به زبان‌های دیگر نیز می‌توان مشاهده کرد. نگارنده برای تحلیل این امر به دو عامل می‌تواند اشاره کند. نخست دسترسی نداشتن نخستین پژوهشگران به تمامی آثار طهطاوی و اکتفا کردن به سفرنامه مشهوری که طهطاوی در جوانی نوشته بود و دوم پذیرش نتایج پژوهشگران نخستین از سوی محققان بعدی. این در حالی است که آثاری را که طهطاوی در سالهای پایانی حیات خود نوشته، از این تصویر فاصله قابل توجهی دارد.

کلید واژگان: اندیشه سیاسی، نواندیشی، سده ۱۹، مصر.

پیش‌درآمد

بررسی اندیشه‌های طهطاوی، یکی از نخستین اندیشمندان معاصر جهان اسلام، اهمیت فراوانی دارد چرا که می‌توان نخستین مواجهه‌های اندیشه‌ای جهان اسلام با غرب را در آثار ایشان گرفت و این‌گونه و با شناسایی حلقه‌های مفقود تطور اندیشه اسلامی در تاریخ معاصر جهان اسلام، بتوان به آسیب‌ها و مزیت‌های هر اندیشه پی‌برد. دهه‌ها پیش از آنکه سید جمال‌الدین اسدآبادی در ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م به مصر رود، رفاعه طهطاوی فعالیت خود را آغاز و تغییرات فراوانی در نظام تعلیم و تربیت مصر ایجاد کرده بود. طهطاوی هنگام ورود سید جمال‌الدین، سال‌های پایانی زندگانی خود را می‌گذرانید و دو سال پس از آن و در ۷۲ سالگی از دنیا رفت. سید جمال‌الدین در آن ایام ۳۴ سال داشت. اقدامات طهطاوی در چهاردهه گذشته یعنی از ۱۲۴۶ق/۱۸۳۱م زمینه مناسبی برای فعالیت سید جمال‌الدین فراهم آورد. بررسی زندگی و اندیشه‌های سیاسی طهطاوی از آن جهت اهمیت دارد که به دو نسل پیش از نسل سید جمال‌الدین و محمد عبده تعلق دارد و شخصاً شاهد تحولات سیاسی مهمی در اروپا بوده است.

درباره پیشینه این مسئله باید گفت تاکنون اثر مستقلی درباره اندیشه سیاسی رفاعه طهطاوی منتشر نشده است. البته آثار محدود و مختصری درباره زندگی و فعالیت‌های طهطاوی در اختیار است (شیال، [بی‌تا]، النجار، ۱۹۸۷م. بدوی، ۱۹۵۹م. ابوحمدان، ۱۹۹۲). درباره نگرش‌های کلی او نیز آثاری وجود دارد (عمار، ۱۹۸۴م. خطیب، ۱۴۱۲ق). احمد امین (د. ۱۹۵۴م) در *زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث* به اندیشه برخی نواندیشان دینی چون محمدبن عبدالوهاب، مدحت‌پاشا، سید جمال‌الدین، سیداحمدخان، سیدامیرعلی، خیرالدین تونسلی، علی مبارک، عبدالله ندیم، عبدالرحمن کواکبی و محمد عبده پرداخته؛ ولی از رفاعه طهطاوی سخنی نگفته است (امین، [بی‌تا]). محمد البهی (د. ۱۹۸۲م) که تحصیلات خود را در جامع الازهر و سپس در دانشگاه هامبورگ به پایان رسانید، در نقد و بررسی اندیشه‌های نو جهان اسلام به اندیشه‌های سید جمال‌الدین، محمد عبده و سید احمدخان پرداخته؛ ولی به طهطاوی اشاره‌ای نکرده است (البهی، ۱۹۹۱م). لوئیس عَوْض (د. ۱۹۹۰م) فارغ‌التحصیل دانشگاه پرینستون، در اثر خود، گذرا به اندیشه‌های سید جمال‌الدین، یعقوب صَنَوَع، عبدالله ندیم، طهطاوی و جَبَرْتی پرداخته است (عَوْض، ۱۹۸۷م). هشام شرابی (د. ۲۰۰۵م) اندیشمند فلسطینی نوگرایی را به سه دوره تقسیم کرده؛



ولی آغاز آن را ۱۸۷۵ م و پس از درگذشت طهطاوی دانسته است (شرابی، ۱۹۹۱م). حمید عنایت (د. ۱۳۶۱ش) اطلاعات محدود خود از طهطاوی را از اثر آلبرت حورانی (د. ۱۹۹۳م) به نام *اندیشه عربی در عصر لیبرال* (Hourani, 1970) گرفته است (عنایت، ۱۳۵۹ش). حسن حنفی، استاد دانشگاه قاهره، در جریان شناسی اندیشمندان معاصر به تناسب به آرای طهطاوی پرداخته است (حنفی، ۱۹۹۸م).

از طهطاوی آثار متعددی باقی مانده است. محمد عماره کتاب‌های او را در *الاعمال الكاملة* در چهار مجلد منتشر کرده است (*طهطاوی*، ۱۹۷۳ م). این اثر در ایران وجود دارد و مقاله کنونی بر اساس آن نگاشته شده است. اگر بخواهیم آثار عمده طهطاوی را به ترتیب تاریخی خودشان بررسی کنیم، ابتدا با سفرنامه او از پاریس روبرو می‌شویم که در ۱۸۳۱م و در ۳۰ سالگی طهطاوی، نگارش آن به پایان رسید. طهطاوی این اثر را بنا بر درخواست استادش شیخ حسن العطار که در آن دوره ریاست الازهر را به عهده داشت، نگاشت و از این رو بسیار زود و با مقدمه همو به دو زبان منتشر شد. نسخه عربی آن در ۱۸۳۴م با عنوان *تلخیص الابرین فی تخلص باریز و ترجمه ترکی آن* در ۱۸۳۹م منتشر شد. طهطاوی تا اواخر حیاتش کتاب دیگری منتشر نکرد؛ ولی در واپسین سال‌های حیاتش سه کتاب نوشت: *مناهج الالباب المصریة فی مباهج الآداب المصریة* (چاپ ۱۸۶۹م)، *المرشد الامین فی تریبۃ البنات و البنین* (چاپ ۱۸۷۳م) و *نهاية الایجاز فی سیرة ساکن الحجاز* که پس از فوتش منتشر شد. نصر محمد عارف معتقد است او کتاب مستقلی پیرامون سیاست با نام *الدولة الاسلامیة: نظامها و عمالاتها* نوشته که مستقلاً به چاپ رسیده؛ (عارف، ۱۹۹۴م، ص ۲۱۷-۲۱۸) اما محمد عماره به هنگام انتشار مجموعه آثار طهطاوی این اثر را بخش پایانی کتاب اخیر وی *نهاية الایجاز دانسته* و از این رو جلد چهارم این اثر *سیرة الرسول و تأسیس الدولة الاسلامیة* نامیده است (*طهطاوی*، ۱۹۷۳، ج ۴، ص ۴۸۵-۷۶۵). طهطاوی آثار دیگری نیز دارد. مقالاتش در روزنامه‌های آن دوره در مجموعه آثار وی گردآوری نشده‌اند.

به لحاظ روشی در این مقاله سعی شده اندیشه‌های رفاعه طهطاوی با در نظر گرفتن زمان انتشار آنها بررسی گردد و تغییرات رخ داده در گذر زمان رصد شود؛ همچنین شرایطی



که طهطاوی در آن می‌زیست، به عنوان بافت شکل‌گیری اندیشه در نظر گرفته شده است. مقصود از نواندیشی سیاسی در این مقاله پذیرش نهادهای مدل‌ها، مفاهیم و جایگاه‌هایی است که در نظام‌های نو حکومت مشروطه و جمهوری شکل گرفته‌اند.

زندگی رفاعه طهطاوی

طهطاوی در ۱۸۰۱م در طهطا از شهرهای استان سوهاج در پانصد کیلومتری جنوب قاهره به دنیا آمد. او از سادات بود و نسبش به امام جعفر صادق علیه السلام می‌رسید. در نوجوانی پس از فراگرفتن خواندن و نوشتن، حفظ قرآن را به پایان برد و در همان ایام بود که پدر خود را از دست داد. پس از گذراندن دروس مقدماتی نزد دایی‌هایش، در شانزده سالگی وارد الازهر شد و تا ۲۶ سالگی به تحصیل خود ادامه داد و به تدریس نیز مشغول شد. طهطاوی توانسته بود نظر اساتید خود از جمله شیخ حسن العطار را جلب کند. شیخ حسن العطار یکی از شیوخ الازهر بود که بعدها به ریاست الازهر رسید و علاوه بر علوم اسلامی، با هندسه، طب و نجوم آشنایی داشت و به علوم جدید کنجکاوی و افری نشان داد (طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۱، ص ۳۸).

در آن دوره محمدعلی پاشا حاکم بلامنازع و مقتدر مصر ارتباط نزدیکی با فرانسه داشت و گروه‌های فراوانی را برای تحصیل به آنجا می‌فرستاد. احتمالاً به پیشنهاد شیخ حسن العطار بود که محمدعلی پاشا، طهطاوی را همراه با هیئت دانشجویی اعزامی در ۱۸۲۶ به پاریس فرستاد تا به عنوان واعظ و امام جماعت در کنارشان باشد. در مدت پنج سالی که رفاعه طهطاوی در فرانسه بود، با صرفه‌جویی در هزینه‌های خود، معلمی خصوصی گرفت و زبان فرانسه را فرا گرفت و پس از آن روزهای خود را همواره به مطالعه می‌گذراند. بررسی آثار رفاعه طهطاوی به‌تنهایی بیانگر کوشش مستمر اوست. او تنها در مدت کوتاه حضورش در فرانسه دوازده مقاله به عربی ترجمه کرد؛ بلکه توانست نظر مدیران مدرسه دانشجویان مصری پاریس را جلب کند و موفق به اخذ جایزه از آنان شود (همان، ج ۱، ص ۴۴). آنان طی نامه‌ای به محمدعلی‌پاشا از شایستگی‌های او سخن گفتند و این‌گونه با آنکه از اشراف‌زادگان نبود، توانست نزد محمدعلی‌پاشا موقعیت مناسبی پیدا کند و پس از بازگشت در نهادهای نو آموزشی در مصر مشغول به فعالیت شود. طهطاوی در سال ۱۸۷۳م درحالی‌که ۷۲ سال داشت، دار فانی را وداع گفت، درحالی‌که طیفی از بزرگمردان علم و سیاست را تحت تأثیر خود قرار داده بود.

مروری بر داده‌های سیاسی آثار طهطاوی

طهطاوی اثر مستقلی در حوزه سیاست نوشت. در جستجوی نوشته‌های طهطاوی دربارهٔ سیاست، ناچار باید کلیه آثار او را صفحه به صفحه بررسی کرد. نخستین اثر طهطاوی، سفرنامه او مشتمل بر مقدمه، شش مقاله و یک خاتمه است (همان، ج ۲، ص ۷ و ۲۶۷). به جز مقاله چهارم این اثر که طهطاوی در آن به ثبت رویدادهای سفر به پاریس و اقامت دانشجویان مصری در پاریس پرداخته و چند صفحه خاتمه کتاب که از بازگشت خود به مصر سخن گفته است، مابقی این اثر گزارشی از فرانسه در سال‌های بیست قرن نوزدهم است؛ موضوعاتی چون جغرافیای پاریس، خوراک، پوشاک، عادات، تفریحات، بهداشت، دین، اقتصاد و علوم متفاوت اهالی پاریس. مقاله دوم این کتاب دربارهٔ پاریس و تمدن آن است و در همین مقاله است که او به نهادها و مؤسسات سیاسی، دولت و چگونگی اداره امور سیاسی می‌پردازد؛ مباحثی چون حقوق مردم، مجلس نمایندگان، هیئت دولت، وزرا و قضات. مقاله پنجم این اثر مقاله جالب توجهی است که طهطاوی آن را به انقلاب ۱۸۳۱م فرانسه، جریان‌های متعارض در آن، نقش رسانه‌ها و پیامد انقلاب در دیگر دول اروپایی اختصاص داده است. طهطاوی که از نزدیک شاهد انقلاب ۱۸۳۰م فرانسه بود، در تفکیک جریان‌های سیاسی فعال در انقلاب، آنها را به هواداران سلطنت مطلقه، مشروطه‌خواهان و جمهوری‌خواهان تقسیم کرد. او سلطنت‌طلب را طالب قدرت مطلق برای سلطان، مشروطه‌طلبان را خواهان تبدیل سلطان به قوه مجریه برای اجرای قوانین و جمهوری‌خواهان را خواهان حکومت مردم بر مردم معرفی کرده (طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۲۰۱) و در ادامه از مجلس نمایندگان که قدرت سلطان را محدود کرده‌اند، نام برده (همان، ص ۹۳-۹۵) و از آن تمجید کرده است. در این مقاله، طهطاوی تمامی بندهای قانون اساسی ۱۸۳۱م فرانسه را ترجمه کرده است.

طهطاوی در کتاب *مناهج الالباب المصریه سعی کرده با رویکردی اقتصادی وضعیت مصر را بررسی کند*. موضوع اصلی کتاب که در پنج باب و حدود ۳۵۰ صفحه تنظیم شده، منافع ملی مصر است که از آن به «منافع العمومیه» یاد کرده است (طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۱، ص ۲۴۳ و ۵۱۳). او در این کتاب به پیشرفت اقتصادی مصر در حوزه‌های بازرگانی، کشاورزی و صنعت پرداخته و در خاتمه پنجاه صفحه‌ای آن بر نقش حاکمان، علما،



قضات، نظامیان و فعالان اقتصادی (تاجران، پیشه‌وران و کشاورزی) در این پیشرفت متمرکز شده است. بخش حاکمان این خاتمه، درک دیدگاه طهطاوی از حکومت و ساختار آن را روشن‌تر می‌کند.

کتاب دیگر طهطاوی *المُرشد/الامین فی تریبۃ البنات و البنین* با رویکرد تعلیم و تربیت و چشم‌اندازی به وضعیت آموزش و پرورش در پنج باب و چهار صفحه از اصول و ارزش‌های تربیتی که مصریان باید به آنها توجه کنند، سخن می‌گوید ((طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۲۶۹ و ۷۶۷). او در باب چهارم این کتاب با عنوان «درباره وطن، تمدن و تربیت» به مباحثی چون وطن، شهروند، فعالیت سیاسی زنان و نمونه‌های تاریخی و معاصر آن، آزادی و برابری، انواع آزادی، حقوق طبیعی و عدالت می‌پردازد. بخش‌های دیگر این اثر کمتر به عرصه سیاسی ارتباط دارد.

طهطاوی در کتاب *الدولة الاسلامیه* در تقسیم وظایف کارگزاران و دسته‌بندی و سازماندهی آنان، مدلی جدید ارائه و آن را با حکومت اسلامی در صدر اسلام تطبیق داده است ((طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۴، ص ۴۸۵ و ۷۶۵). طهطاوی در فصل اول از نقش امام در فصل دوم از نقش وزرا، حاجبان و کاتبان، در فصل سوم از نقش کارگزاران فقهی شامل معلمان قرآن، سواد، فقه و امامان جماعت، در فصل چهارم از نقش کارگزاران امور سفارتی شامل سفرا، مترجمان، شعرا و سخنرانان و در فصل پنجم از نقش دیوان عطا و دیوان جیش و در فصول بعد از نقش حساب‌برسان و محتسبان سخن گفته است. امور قضایی چون قضات، جاسوسان، زندانبانان، جلاد، امور نظامی چون سواره‌نظام، تدارکات، نیروی دریایی، درآمدها شامل خراج، زکات، صدقه، اوقاف و، خزانه‌داری شامل بیت‌المال، انبار غذایی، ناظر کیل و وزن و سکه که هر کدام در یک باب بررسی می‌گردند. چگونگی تفکیک وظایف و اختیارات در مدلی که طهطاوی در این کتاب ارائه کرده، تداعی‌کننده مدل کارکردگرایانه گابریل الموند و بینگهام پاول در کتاب *سیاست‌های تطبیقی*^۱ است (عارف، ۱۹۹۴م، ص ۲۱۷ - ۲۱۸). محمد عماره این کتاب را ادامه کتاب *نهایة الایجاز دانسته* است و عنوان مستقلی بدان نداده است. کتاب *نهایة الایجاز فی سیره ساکن الحجاز* تاریخ صدر

1. G. Almond and Bingham Powell, *Comparative Politics: A Developmental Approach*, 1966.

اسلام است (طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۴، ص ۱۳ و ۴۸۱). طهطاوی این کتاب را پس از کتابی که درباره تاریخ مصر باستان نوشت، تألیف نمود. او تصمیم داشت تاریخ مصر را تا دوره معاصر بنگارد؛ اما فرصت آن را نیافت.

دیدگاه‌های سیاسی طهطاوی

مطالعات معاصر دو تصویر متفاوت از اندیشه سیاسی طهطاوی ارائه کرده‌اند. برخی او را نواندیشی سیاسی و دیگران امتداد جریان سنتی تفکر اسلامی و امتداد غزالی، ماوردی، ابن جماعه می‌شمارند و بر آن‌اند که وی در این زمینه تحولی اساسی پدید نیاورده است (نک: پیش درآمد این مقاله). البته پژوهشگران متفق‌القول‌اند که طهطاوی نخستین کسی بود که مفاهیم نو سیاسی را در شرق به عربی برگرداند؛ مفاهیمی و ایده‌هایی چون مشروطه، حکومت مطلقه، حکومت لیبرال، دموکراسی، جمهوری، قرارداد اجتماعی، خاستگاه اجتماعی قدرت، خاستگاه الهی قدرت، تفکیک قوا، دموکراسی، مشروعیت، پارلمان، شرایط کاندیداتوری، علنی بودن جلسات مجلس، انتخابات پارلمانی، مصونیت پارلمانی و استیضاح وزرا از سوی نمایندگان و قیام مردم فرانسه برای محدود ساختن پادشاه (طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۷۵ و ۸۵؛ همان، ج ۲، ص ۲۰۱ و ۲۲۳). گزارش‌های او از نظام نو سیاسی، نهادهای آن و انقلاب‌های فرانسه نقطه شروع آغاز این مباحث در تاریخ ادبیات عربی است که در سفرنامه او در ۱۸۳۴م طرح شده است.

برداشت دیدگاه‌های متفاوت از تفکر سیاسی طهطاوی در آثار او ریشه دارد. از طرفی از نهادهای اجتماعی، سیاست، دولت و پادشاه، قوانین و انقلاب ۱۸۳۰ فرانسه و جریان‌های متعارض گزارش کرده و گاه آن را تحسین نموده، به مناسبت از قانون، وطن و آزادی بحث می‌کند. طهطاوی همچنین با منابع مهمی در حوزه سیاست چون آثار روسو و منتسکیو آشناست و از سوی دیگر سلطنت مطلقه را ترجیح داده است. برخی چون محمود فهمی حجازی، سمیر ابوحمدان و غالی شگری به این دوگانگی توجهی نکرده‌اند (حجازی، [بی‌تا]. ابوحمدان، ۱۹۹۲م. شگری، ۱۹۷۸). تنها محمد عماره در کتاب رفاعه الطهطاوی رائدالتنوير فی العصر الحدیث این دوگانگی را به گونه‌ای گذرا طرح کرده و از کنار آن گذشته است. آنچه برای این دسته از نویسندگان مطرح بوده، توجه و علاقه طهطاوی به مباحث جدید در اندیشه و فلسفه سیاسی است تا جایی که برخی با استناد به



سفرنامه او وی را یک لیبرال دانسته‌اند (شکری، ۱۹۷۸م. حنفی، ۱۹۹۸، ص ۳۴)؛ در حالی که نویسنده مدخل طهطاوی در دائرةالمعارف بریتانیکا او را منکر هرگونه حقی برای مردم شناخته‌اند (Britanica, 1, p.371). تحلیل این دوگانگی در دو فرضیه امکان‌پذیر است: نخست آنکه بگوئیم طهطاوی جوان که تحت تأثیر اندیشه‌های بورلاماکی، روسو، منتسکیو قرار گرفته بود، به دولت جدید و اندیشه‌های مدرن سیاسی متمایل شد و بدان اعتقاد پیدا کرد. مستند این سخن گزارش‌های نسبتاً همدلانه او در سفرنامه‌اش از اندیشه و نهادهای جدید سیاسی است. طهطاوی مبانی حقوق طبیعی بورلاماکی، روح‌القوانین منتسکیو و قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو را با اساتید خصوصی و با هزینه شخصی خوانده بود. او چنان شیفته برخی از این آثار شده بود که مبانی حقوق طبیعی و روح القوانین منتسکیو را به عربی برگرداند (طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۱۹)؛ ولی شرایط سیاسی و اجتماعی بدو اجازه نداد از آن سخن بگوید. مردم و کشاورزان بی سواد انگیزه‌ای برای تغییر وضعیت خود نداشتند و سیاست را امری مذموم می‌شمردند و حاکمان هم آن را تهدیدی علیه خود بر می‌شمردند؛ از این رو طهطاوی به اقتضای شرایط ناچار شد همسو با نظام سلطنتی سخن بگوید.

فرضیه دوم بر این ایده استوار است که وی صرفاً به درخواست استادش گزارشی از پاریس تهیه کرده بود و همان‌گونه که در آن از آداب، رسوم، عادات، پوشاک، تفریحات، علوم، مذهب، تجارت و بهداشت در پاریس سخن گفت، به اداره کلان سیاسی، نهادها و حقوق جدید هم اشاره کرد و این بدان معنا نیست که وی اندیشه‌های سیاسی نو را پذیرفته و در صدد رواج آن در شرق اسلامی است. علاوه بر این ترجمه کتاب‌های اشاره شده دلیل شیفتگی او نیست؛ زیرا او آثار فراوانی در علوم گوناگون از جمله هیئت، فلسفه، منطق، هندسه، تاریخ و جغرافیا ترجمه کرد و از سوی دیگر واقعیت جامعه فرانسه به گونه‌ای نبود که وی را شیفته خود سازد؛ برای نمونه منشور مجلس مؤسسان در فرانسه (۱۷۸۹م) به برابری حقوق انسان‌ها و اعلامیه حقوق بشر منتهی شد، اما تنها کسانی می‌توانستند در انتخابات فرانسه شرکت کنند یا نامزد شوند که مالیات بپردازند و بدین دلیل اکثریت قاطع مردم فرانسه هیچ سهمی از قدرت نداشتند و در عمل بورژوازی نوظهور خود را جایگزین اشراف و فتودال‌ها کرد (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۶ش، ص ۱۹). در ضمن حکومت فرانسه در سال ۱۸۳۱ م حتی تا ۱۸۴۸ م حکومتی سلطنتی از نوع مشروطه

بود و با وجود تغییراتی که از سال ۱۸۳۰ م در قانون اساسی فرانسه ایجاد شد، همه مردان فرانسه از حق رأی برخوردار نبودند و سلطان همچنان شخص اول مملکت بود (همان، ص ۱۵۹).

شاید فصل والیان امور از کتاب *مناهج الالباب المصریه* که در اواخر حیاتش منتشر شد، مهم‌ترین قسمت از آثار او باشد که در آن به صورت متمرکز از سیاست سخن گفته است؛ بنا بر این متن، سلطان همچنان قدرت اول و شخص اول مملکت است، او خلیفه خدا بر مردم است و تنها در برابر خداوند پاسخگوست و نه در برابر هیچ یک از رعیت خود، پادشاه بنده‌ای است که خداوند منصوب کرده و مردم باید قردان الطاف الهی باشند، قدرت توزیع‌ناپذیر است و کسی در قدرت سلطان مشارکت ندارد، قوای سه‌گانه در اختیار سلطان‌اند، مجالس اعیان و نمایندگان صرفاً جنبه مشورتی دارند و نتایج جلسات خود را به سلطان ابلاغ می‌کنند، انتخاب وزرا، فرماندهان، قضات و ریاست هیئت امنای دین (علماء) نیز با سلطان است، او برای جلوگیری از هر گونه هرج و مرج شخصاً جانشین خود را انتخاب می‌کند (طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۱، ص ۵۱۵ و ۵۳۱).

طهطاوی مسئولیت‌هایی نیز برای سلطان برشمرده است. تحقق نظم و امنیت برای فعالیت اقتصادی اقشار و اصناف، عدالت و رفع سلطه ظالم، بهبود وضعیت مردم، نظارت بر کشاورزی، تجارت و صنایع برای بهبود کیفیت آنها و اجرای سیاست‌های تشویقی در این زمینه و نیز تربیت طبقات مختلف جامعه از جمله اموری است که شایسته است سلطان بدان پردازد (طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۱، ص ۵۲۳-۵۲۴). او در جایی دیگر از وظایف سلطان به واجبات دینی نام می‌برد.

طهطاوی مزیت‌های متعددی برای نظام سلطانی برشمرده است. از نظر او در نظام سلطنتی سرعت عمل در تصمیم‌گیری و اجرا منافع سرشاری را برای توده مردم به همراه دارد. او پس از مقایسه وضعیت مصر در دوره خان‌های زمین‌دار با وضعیت کنونی آن، نظم عمومی را یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای حکومت مرکزی برمی‌شمارد. طهطاوی برای مشروعیت‌بخشی به نظام سلطنتی به سنت نیز ارجاع می‌دهد: «مشخص است که شریعت شریف از صدر اسلام، قوی‌تر و استوارتر از این را گفته است و سیره عمرین خطاب هم بیانگر کامل‌ترین و منظم‌ترین وجه آن است. اسلام عدالت و انصاف را در میان همگان و به صورت یکسان توزیع کرده و پیشرفت در سرزمین‌های اسلام به همین دلیل محقق



شد» (همان، ص ۵۱۲-۵۲۶).

طهطاوی سه عامل را از ابزارهای خودکنترلی سلطان می‌داند: نخستین عامل، ثبت وقایع در تاریخ است؛ تاریخ‌نگاران حوادث و تحولات گذشته را برای آیندگان بیان می‌کنند و از خوبی‌ها و بدی‌های شاهان گذشته سخن می‌رانند، پس چه بهتر است که سلطان آینده‌نگر باشد. عنصر دوم، آرای عمومی و فضای جامعه است؛ از نظر او سلاطین از اینکه در میان مردم به بدی شناخته شوند شرمند می‌شوند و از این رو مراقب خواهند بود تا بر اساس عدل رفتار کنند. عامل سوم، که طهطاوی مطرح می‌کند امری اخلاقی و احتمالاً برخاسته از دیدگاه‌های صوفیانه رایج در مصر است. از نظر او هر کس در درون خود دادگاهی دارد که همان وجدان اوست و اگر سلطان نیز خلاف وجدان یا نفس مطمئنه خود کاری کند، آرامش خاطر خود را از دست خواهد داد. وجدان انسان خواهان عدالت است و سلطان هم همچون هر انسان دیگر بر اساس این وجدان و بر اساس ترسی که از خداوند دارد به عدالت روی می‌آورد. (همان، ص ۵۲۰-۵۲۳).

عدالت در سایه حکومت قانون

طهطاوی از خانواده‌ای کشاورز برخاسته بود. کشاورزان اکثریت جامعه مصر را تشکیل می‌دادند. اقتصاد مصر در سده هیجده، اقتصادی کشاورزی بود و اکثریت مردم در روستاهای اطراف رود نیل زندگی می‌کردند. صنعت مصر ناچیز و بر استخراج شکر و ریسندگی و بافندگی تمرکز داشت. بازرگانی مصر صادرات محصولات زراعی چون پنبه و نیشکر و برده افریقایی، عاج فیل و امثال آن بود. در دوره محمدعلی پاشا (حک: ۱۸۰۵م- ۱۸۴۸م) تجارت خارجی به انحصار دولت و شخص پاشا درآمد تا بخشی از هزینه‌های نظامی حکومت مصر تأمین گردد. مصادره کلیه اموال و اراضی زمین‌داران، خان‌ها و گسترش دامنه زمین‌های زیر کشت، بخش دیگری از اقدامات محمدعلی پاشا بود. به رغم آنکه نظام زمین‌داری و وابستگی کشاورزان به زمین در دوره محمدعلی پاشا برچیده شد و حق بهره‌برداری از زمین به کشاورزان واگذار گردید، باز کشاورزان فشارهای بی‌شماری را تحمل می‌کردند و بخشی از آنها ناچار شدند به شام فرار کنند. در چنین وضعیتی طهطاوی همچنان شاهد رنج، بی‌عدالتی و تبعیض علیه کشاورزان بود. خاستگاه اجتماعی او، موجب شد به موضوع عدالت توجه بیشتری از خود نشان دهد و از این مسیر متوجه قانون شد و

عدالت را جوهره آن دانست (رافعی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۰ و ۱۴).

طهطاوی در سفرنامه خود از برابری انسان‌ها در برابر قانون (آزادی) سخن گفت و تحقق آن را مایه «تعالی عدالت» در سرزمین‌های آنها دانست و آن را معادل عدل و انصاف در سنت شرقی اسلامی خواند و دادگاه را تنها مرجع معتبر و تحقق قوانین آن را مانع تعدی افراد زبر دست شمرده است (همان، ج ۲، ص ۱۰۲). به نظر او تحقق عدالت تنها برای رعیت مفید نیست؛ بلکه منفعت سلطان نیز در آن نهفته است؛ زیرا سلطان به مردم نیاز دارد و مردم به ثروت نیاز دارند و ثروت نیز در سایه شکوفایی و رونق محقق می‌شود. در نتیجه عدالت مبنای پیشرفت، آبادانی، رواج معارف و علوم، انباشت سرمایه و آسایش خاطر خواهد بود (همان، ج ۱، ص ۹۵). از نظر او یکی از کارکردهای اساسی دین نیز تحقق عدالت در دنیا است. این امر به استحکام جامعه و پایداری مملکت و سلطنت منتهی می‌شود؛ چراکه عدالت بدون تقید به شرع و انجام واجبات و سنن و اجرای حدود و اعطای حق به صاحبانش محقق نمی‌شود و موجبات زوال جامعه و حکومت فراهم می‌آید (همان، ج ۲، ص ۷۱۹).

طهطاوی در کتاب *المرشد الامین فی تریبه البنات و البنین* فصل خاصی را به آزادی عمومی و برابری اعضای جامعه اختصاص داد. او پس از تعریف آزادی به برابری در برابر قانون، آن را در پنج سطح ارائه کرد: آزادی طبیعی، آزادی رفتار، آزادی دینی، آزادی مدنی و آزادی سیاسی. او آزادی طبیعی به آزادی عمل انسان در نیازهای اولیه، مثل خوردن و آشامیدن و آزادی رفتاری را خوش رفتاری و مکارم اخلاق تعریف می‌کند. وی در بحث آزادی دینی مصریان را مجاز شمرده عقیده کلامی و مذهب فقهی خود را آزادانه انتخاب کنند؛ ولی به آنها اجازه نداده از دین خارج شوند. او در باب آزادی سیاسی بیان کرده که سیاستمداران به رغم وابستگی به مکاتب مختلف ایدئولوژیک باید عدالت را اجرا و مدیریت را به خوبی اعمال کنند (همان، ص ۴۷۴). مقصود طهطاوی از آزادی سیاسی به رسمیت شناختن آزادی‌های گوناگون از سوی حکومت است. از نظر طهطاوی، بزرگ‌ترین آزادی در جوامع متمدن آزادی آنها در کشاورزی، بازرگانی و صنعت است و بدین وسیله او به آزادی و عدم محدودیت‌های اقتصادی نیز اشاره می‌کند. به هر حال از نظر طهطاوی انسان‌ها باید در حوزه قانون و شرع اختیار عمل داشته باشند و ادامه تبعیض



در بدنه جامعه پذیرفتنی نیست.

طهطاوی در دوره جوانی و هنگامی که سفرنامه خود را می‌نوشت، ۷۴ ماده قانون اساسی ۱۸۱۴م فرانسه را ترجمه کرد و خود تعلیقاتی بر آن افزود. « ماده اول این قانون، اشراف کاملی بر تحقق عدالت، کمک به مظلوم و جلب رضایت فقیر است. این ماده دلیل روشنی بر سطح متعالی عدالت است؛ هرچند عدالت نسبی است. ماده نهم عین عدل و انصاف است و برای کنترل جور جائران نسبت به ضعیفان واجب است... در ماده پانزدهم نکته لطیفی است و آن اینکه وقتی مجلس نمایندگان، قائم‌مقام رعیت باشد و از زبان آنها سخن بگوید، گویا خود به وسیله خودش توانسته ظلم را از خودش دور کند...» (همان، ص ۱۰۳-۱۰۴). تعلیقه‌های او را بر قانون اساسی فرانسه می‌توان نخستین تلاش فقه‌های مسلمان در دوره معاصر در عرصه فقه سیاسی نو دانست.

طهطاوی در همان دوره، یکی از آثار بورلاماکی (د. ۱۷۴۸م) به نام *مبانی حقوق طبیعی*^۱ را با استاد خصوصی خواند و آن را همان حسن و قبح عقلی دانست که فرنگیان مبنای فقه سیاسی خود قرار می‌دهند. او در سال ۱۸۴۱ قلم ترجمه یا انجمن زبان‌دانان مصر را بنیان نهاد و هفت سال مجدانه تلاش کرد در کنار فارغ‌التحصیلان مدرسه زبان که خود آن را بنیان نهاده بود، متون متعددی را در پزشکی، طبیعیات، ریاضیات و علوم اجتماعی ترجمه کند (مبارک، ۱۹۹۳م، ص ۵۵. شیال، ۱۹۵۱م، ص ۱۶۵). دوره عباس‌پاشا (۱۸۴۸-۱۸۵۴م) و محمدسعیدپاشا (۱۸۵۴-۱۸۶۳م)، دوره‌ای است که حرکت پرشتاب مصر در دوره محمدعلی‌پاشا رو به توقف نهاد و برای اولین بار مصر با دیون خارجی مواجه گردید. فعالیت طهطاوی در این دوره به شدت کاهش یافت و در دوره عباس‌پاشا قربانی بدبینی‌های پاشا گردید و به سودان تبعید شد؛ ولی با به قدرت رسیدن اسماعیل‌پاشا (۱۸۶۳-۱۸۷۹م) انجمن ترجمه بازگشایی شد. یکی از برجسته‌ترین پروژه‌هایی که این انجمن مأمور به ترجمه آن شد، ترجمه قوانین فرانسه بود. طهطاوی در این دوره نیز به عنوان مدیر این انجمن انتخاب گردید (نجمار، ۱۹۸۷م، ص ۱۲۲). در این روند طهطاوی ارتباط بیشتری با قوانین پیدا کرد و اطلاعات بیشتری در این زمینه به دست آورد. او شاهد تصویب قوانین قابل توجهی در اروپا بود. برگرفتن قوانین فرانسه از سوی اتریش (۱۸۱۱م)، ثبت ازدواج و مرگ در انگلستان (۱۸۳۳م)، ممنوعیت کار برای کودکان زیر نه

1. Jean-Jacques Burlamaqui, Principes du droit naturel, 1747.

سال (۱۸۱۹م)، ممنوعیت استخدام زنان و دختران برای کار در عمق زمین (۱۸۴۲م)، نخستین قانون بهداشت عمومی در بریتانیا (۱۸۴۸م)، پرداخت مستمری به سالخوردگان و ازکارافتادگان (۱۸۴۴م) از جمله قوانینی بود که در حمایت از حقوق اجتماعی جامعه در اروپا وضع می‌شد (طهطاوی، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۴۷۴).

طهطاوی بر این باور بود که اسلام به لحاظ قانون بسیار غنی است و در حوزه‌هایی که اسلام قوانین مورد نیاز را وضع کرده، به قوانین جدید نیازی نیست؛ چرا که احکام فقهی با زمانه سازگاری دارد و اجرای آن برای والیان به سادگی ممکن است (همان، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۰)؛ کافی است قراردادهای فقهی سامان یابند و اعمال شوند تا هیچ حقی از بین نرود.

طهطاوی در حوزه‌هایی که فقه سیاسی وارد مرحله تشریح نشده بود، با تکیه بر عنصر عقل به نقد نگرش‌های متحجرانه عالمان دین پرداخت و با اشاره به روایات نبوی بازسازی فقه را در دوره معاصر ضروری دانست و برای نخستین بار در تاریخ معاصر فقه اهل سنت از بازبودن باب اجتهاد سخن گفت و در مقالات خود در روزنامه *روضه‌المدارس* از علمای الازهر خواست که به اجتهاد بپردازند (الکومی، ۱۹۹۲م، ص ۳۰-۳۲). اما باز به این نیز قانع نشد و کتابی با نام *القول السدید فی الاجتهاد و التجدید* به نگارش درآورد. او بر آن بود تا قوانین مورد نیاز عصر خود را از منابع اسلامی استخراج کند و نیازی به قوانین ترجمه‌شده نباشد. با این حال باور داشت تا صدور احکام مورد نیاز از سوی فقها، می‌توان از قوانین ترجمه‌شده استفاده کرد؛ چرا که با توجه به اصل عقل و حسن و قبح عقلی یکی از منابع تأمین و تهیه قوانین در عرصه حکومت، شریعت و دیگری عقل است و از این منظر قوانین فرانسه را مطابق با احکام شرع مقدس می‌دانست. از نظر او قوانین فرانسه قوانینی است که برخاسته از عقل بشری است و برای تحقق عدالت وضع شده‌اند و نه تنها تعارضی با دین ندارند، بلکه به عدالت و انصاف و درنهایت به آبادانی و عمران منتهی شده است و به همین خاطر هم سلاطین و رعایا همگی بدان پایبند هستند. علاوه بر این هر کس با اصول فقه آشنایی داشته باشد و قواعد آن را بشناسد، متوجه می‌شود که استنباط‌های عقلی عقلای ملل مترقی که به وضع قوانین در میان آنها منجر شده، به‌ندرت با استنباط‌های موجود در اصول فقه متباین است. بنا بر نظر طهطاوی آنچه را ما اصول فقه (مبانی فقه) می‌نامیم، آنان قوانین طبیعی می‌نامند که عبارت است از قواعد عقلی مبتنی بر حسن و قبح. آنان بر اساس این قواعد قوانین مدنی خود را وضع کرده‌اند. آنچه ما فروع



نتیجه

فقهی می‌نامیم، آنها احکام مدنی می‌نامند و آنچه را عدل و احسان می‌خوانیم، آنان آزادی و مساوات می‌خوانند (طهطاوی، ۱۹۱۳م، ج ۲، ص ۴۶۹). همچنین او باور داشت که چون غرب وامدار شرق است، شرق حق دارد از آن قوانین بهره ببرد و هیچ تعارضی هم میان قوانین و شریعت وجود ندارد: «از عوامل آبادانی و رفاه است و حاکمان و رعایا به این خاطر بدان مقید هستند که به وسیله آن سرزمین‌هایشان آباد، علومشان زیاد و ثروت‌هایشان اندوخته شده است... عدالت زیربنای عمران است» (همان، ص ۹۵). سخنان طهطاوی در این بخش یادآور سخنان سید جمال‌الدین است که غرب را وامدار شرق می‌داند.

عمده آثار طهطاوی در سال‌های پایانی حیات او نوشته شده است. در این آثار کمتر نشانه‌ای از اندیشه و نهادهای نو سیاسی می‌توان یافت، به‌ویژه در کتاب *مناهج‌الالباب‌المصریه* به‌وضوح از نظام سلطنتی، قدرت مطلقه سلطان و اختیارات او سخن گفته است و در آن به نظام‌های دیگر چون نظام مشروطه یا جمهوری اشاره‌ای نکرده است. طهطاوی نخستین کسی بود که بسیاری از مفاهیم نو سیاسی را به زبان عربی توضیح داد و لحن اعجاب‌گونه او در سفرنامه‌اش ناشی از مواجهه غافلگیرانه وی با نظام‌های سیاسی نو است ولی به نظر نمی‌رسد که وی را بتوان نواندیشی در حوزه سیاست دانست. بیشتر محققانی که چنین پنداشته‌اند، به سفرنامه طهطاوی بسنده کرده‌اند و آن را بیانگر باورهای او دانسته‌اند؛ درحالی‌که آن اثر به سفارش شیخ حسن‌العطار، استاد طهطاوی نوشته شد تا دریچه‌ای به غرب جهان باشد و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن دیگر آثار طهطاوی که عموماً در اواخر حیات او به نگارش درآمده‌اند، او را در زمره نواندیشان دانست. زیرا در آنها به وضوح از سلطان و نظام سلطنتی و کارکردهای آن سخن گفته است و نقش مجالس نمایندگان و اعیان را به مشورت‌دهی کاسته است.

آلبرت حورانی نخستین پژوهشگری بود که طهطاوی را نواندیش دانست. اثر او که در سال ۱۹۷۰ م ۱۳۴۸ ش منتشر و سپس به عربی برگردانده شد، کتابی تأثیرگذار بود. در ایران حمید عنایت آرای او را درباره طهطاوی بازگو کرد و همین اتفاق در میان برخی نویسندگان عرب نیز روی داد.

کتابنامه

- ابو حمدان، سمیر، *رفاعه الطهطاوی*، بیروت: الشركه العالمیه لکتاب، ۱۹۹۲م.
- امین، احمد، *زعماء الاصلاح فی العصر الحديث*، بیروت: دارالکتاب العربی، [بی تا].
- بدوی، احمد، *رفاعه الطهطاوی بک*، قاهره: لجنه البیان العربی، ۱۹۵۹م.
- بهی، محمد، *الفکر الاسلامی الحديث و صلته بالاستعمار العربی*، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۱م.
- جمعی از مؤلفان، *تاریخ فرانسه*، به همت مانفرد، ترجمه فریدون شایان، تهران: انتشارات پیشرو، نوبت دوم، ۱۳۷۶ش.
- حجازی، محمود فهمی، *اصول الفکر العربی الحديث عند الطهطاوی*، [بی جا]: دار غریب للطباعة دارالنشر و التوزیع، [بی تا].
- حنفی، حسن، *هموم الفکر و الوطن: التراث و العصر و الحدائنه*، قاهره: دار قباء، ۱۹۹۸م.
- خطیب، سلیمان، *الدين و الحضاره فی فکر الطهطاوی*، قاهره: المركز الاسلامی لدراسات الحضاره، ۱۴۱۲ق.
- رافعی، عبدالرحمن، *مصرالمجاهدة فی عصرالحديث*، قاهره: دارالهلال، نوبت سوم، [بی تا].
- شرابی، هشام، *المثقفون العرب و الغرب: عصر النهضة*، بیروت: دارالنهار، ۱۹۹۱م.
- شکرى، غالى، *النهضة و السقوط فی الفکرالمصرى الحديث*، دارالطبعة، ۱۹۷۸م.
- شیال، جمال الدین، *تاریخ الترجمة و الحركة الثقافية فی عصر محمدعلی*، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۵۱م.
- شیال، جمال الدین، *رفاعه طهطاوی*، قاهره: دارالمعارف، [بی تا].
- طهطاوی، رفاعه، *الاعمال الكامله*، تحقیق محمد عماره، بیروت: المؤسسة العربیه، ۱۹۷۳م.
- عارف، نصر محمد، *فی مصادر التراث السياسی الاسلامی*، عمّان: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۹۹۴م.
- عماره، محمد، *رفاعه الطهطاوی رائد العصر التنوير*، بیروت: دارالوحده، ۱۹۸۴م.
- عنایت، حمید، *سیری در اندیشه سیاسی عرب از حمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم*، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۹ش.
- عَوْض، لويس، *تاریخ الفکرالمصرى الحديث من عصر اسماعیل الی ثورة ۱۹۱۹*، قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۹۸۷م.

-
- كومى، سامى عبدالعزيز، *الصحافة الاسلاميه فى مصر*، منصوره: دار الوفاء، ١٩٩٢م.
 - مبارك، على، *الخطط التوفيقية الجديدة لمصر القاهره*، مصر: الهيئه المصريه، ١٩٩٣م.
 - نجار، حسين فوزى، *رفاعه الطهطاوى*، قاهره: الهيئه المصريه العامه، ١٩٨٧م.
 - Hourani, A, *Arabic Thought in the Liberal Age 1798–1939*, Oxford: Oxford University Press, 1970.
 - Almond, G, Bingham Powell, *Comparative Politics: A Developmental Approach*, 1966.
 - "Rifaah Rafi al-Ṭaḥṭawī", *Encyclopaedia Britannica*, I, 371, Available from:
 - <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/580454/Rifaah-Rafi-al-Tahtawi>.

